



درست است که کودک احتیاج به محبت و نوازش دارد، اما افراط در محبت هم خوب نیست. محبت مانند غذاست، اگر به مقدار لازم و در جای خود صرف شود مفید می‌باشد ولی اگر بیش از حد لزوم و درمورد غیر مناسب مصرف شود نه تنها سودمند نخواهد بود بلکه زیانهای خطرناکی نیز خواهد داشت. محبت و نوازش زیاد نه تنها به نفع کودک نیست بلکه یک خیانت و اشتباه بزرگ تربیتی است.

بچه لوس

جهان آمادگی بیدار کند. پدر و مادر باید بدانند که چنانکه اصل محبت برای پرورش کودک کاملاً ضروری است افراط در محبت نیز عواقب بسیار بدی در بردارد.

اطفالی که بیش از اندازه مورد محبت و نوازش قرار گیرند لوس و نیز نازپرورده باری آیند. و این صفت زشت، عواقب و نتایج بسیار خطرناکی را در بردارد.

۱- وقتی کودک احساس کرد که عزیز کرده و دردانه پدر و مادر است و به حد پرستش او را دوست دارند و مطابق میلش رفتار میکنند دایره خواستههایش مرتب توسعه بیدامی کند. او

بچه اسباب بازی و وسیله سرگرمی پدر و مادر نیست. او انسان کوچکی است که برای خودش و آینده‌اش ساخته و تربیت میشود. و این وظیفه بزرگ بردوش پدر و مادر نهاده شده است. بچه همیشه به حال کودکی باقی نمی‌ماند بلکه بزرگ میشود و باید در اجتماع زندگی کند. زندگی کار آسانی نیست، پستیها و بلندیها، موفقیتها و ناکامیها، شکستها و پیروزیها، دردها و مصیبتها خوشیها و ناخوشیها، دارد. مربی لایق باید صریح و عقلانی، حوادث زندگی را در نظر می‌گیرد و با توجه بآنها فرزند خویش را طوری تربیت میکند که برای زندگی برنشیند و فراز

دارند همیشه بجه بمانند .

۲- ناز پروردهها غالبا " روحی ضعیف و ناتوان و روانی زود رنج دارند . اتکالی هستند و به نفس خویشان اعتماد ندارند . بدین جهت در برابر حوادث دشوار و سهمگین زندگی عقب نشینی میکنند . جرئت ندارند به کارهای مهم دست بزنند . در حل مشکلات زندگی به جای اینکه به خدا و نفس خویش اعتماد داشته باشند به کمک دیگران چشم طمع می‌دوزند .

۳- افراد لوس و ناز پرورده غالبا " خودپسند و از خود راضی خواهند بود . از کسی که مورد نوازش و تعریف و تمجید قرار گرفته‌اند ، برای خودشان شخصیتی بالاتر از آنچه هستند تصور می‌کنند . عیوب خود را نمی‌بینند بلکه عیب را کمال می‌پندارند . و خودپسندی یکی از عیوب بزرگ اخلاقی و یک بیماری خطرناک روانی است حضرت علی علیه السلام فرمود : خودپسندی بدترین چیزهاست (۱)

امام علی علیه السلام فرمود : هرکس خودپسند و از خود راضی باشد عیوب و نقائص بر او آشکار خواهد گشت . (۲)

از مردم توقع دارد که شخصیت کاذب او را ستایش نمایند . بدین جهت ، افراد متعلق و چاپلوس در محضر او راه می‌یابند اما واقع‌گویان و انتقاد کنندگان جایی ندارند . افراد خودپسند نه تنها نمی‌توانند محبت و دوستی دیگران را جلب نمایند بلکه همواره منفور دیگران خواهند بود .

حضرت امام علی علیه السلام فرمود : هرکس خودپسند و از خود راضی باشد ناراحتی‌های فراوانی خواهد داشت . (۳)

میخواهد و دستور میدهد ، پدر و مادر هم بدون چون و چرا انجام میدهند ، می‌باید ناراحت گردد . روز بروز استبداد و سلطه‌طلبی او زیادتر میشود تا به صورت یک حاکم و دیکتاتور درآید . چنین فردی وقتی وارد اجتماع شد از مردم هم توقع دارد مانند پدر و مادر او را دوست بدارند و از امیال و خواسته‌هایش تخلف نکنند . اما مردم ، نه آدم لوس را دوست دارند ، نه به خواسته‌هایش توجه میکنند . بدین جهت از اجتماع دلسرد می‌شود . احساس حقارت و شکست میکند . چون احساس شکست می‌کند گوشه‌گیر و منزوی میگردد . ناچار است عمری را باتلخکامی و شکست و ناراحتی‌های عصبی بگذراند یا انتحار کند و خودش را نجات دهد .

افراد لوس و ناز پرورده در تاء سبب زندگی زناشویی نیز غالبا " چندان موفقیتی ندارند . پسر لوس وقتی زن گرفت از همسرش توقع دارد که بیشتر از مادرش به وی اظهار محبت کند و در برابر دستورهايش كاملا مطيع باشد و همه را بدون چون و چرا به كار بندد . مناسفانه اكثر زنها حاضر نيستند در مقابل استبداد و فرماندهی شوهر تسليم محض باشند . بدین جهت ، اختلافات داخلی و کشمکش شروع میشود . یک دختر لوس نیز وقتی به خانه بخت می‌رود از شوهرش توقع دارد که بیش از پدر و مادر به وی اظهار علاقه کند و خواسته‌هایش را بدون چون و چرا تاءمین کند . غالب مردها هم نمی‌توانند خواسته‌های یک زن بلند پرواز و لوس را کاملاً تأمین نمایند . بدین جهت قهر و دعوا و کشمکش شروع خواهد شد . مردان وزنانی دیده میشود که حتی در زمان پیری هم حاضر نیستند از لوس‌گری و قهر و آشتی‌های کودکانه دست بردارند ، و بزرگ شوند . این‌گونه افراد اصرار





۴- کودکانیکه بیش از حد مورد نوازش و محبت قرارگیرند و پدر و مادر در برابر خواسته‌های آنها تسلیم محض باشند تدریجا " بر پدر و مادر کاملا" تسلط می‌یابند. وقتی هم بزرگ شدند بازهم از سلطه طلبی دست بردار نیستند و از پدر و مادر توقعات فراوانی خواهند داشت. اگر پدر و مادر خواستند در برابرخواسته های آنان مقاومت بخرج بدهند آن قدر قهر و دعوا و ناز و کرشمه می‌کنند تا به مقصد برسند و از پدر و مادر لوس پرور باج بگیرند. چون احساس دردانگی میکنند تا آخر عمر به پدر و مادر زور می‌گویند و باج می‌گیرند.

۵- افراط در محبت گاهی به جایی میرسد که راضی نگه داشتن بچه را بر مصالح واقعی و تعلیم و تربیت او ترجیح می‌دهند. عیوش را نمی‌بینند و بی‌نادیده می‌گیرند و درصدد اصلاح بر نمی‌آیند. برای جلب خوشنودی او از هیچ‌کاری ولو غیر مشروع دریغ نمی‌کنند. و از همین راه بزرگترین خیانتها را نسبت به فرزند عزیز خویش انجام میدهند- امام محمد باقر علیه السلام فرمود: بدترین پدران کسی است که در احسان و مهر ورزی به فرزند افراط و زیاده روی کند (۴) کودک باید همیشه بیسمن خوف و رجاء زندگی کند. اطمینان داشته‌باشد که واقعا "محبوب پدر و مادر است و در موقع لزوم به یاریش می‌شایند. از طرف دیگر بداند که اگر کارخلافی انجام دهد مورد مواخذه پدر و مادر قرار خواهد گرفت.

دکتر جلالی مینویسد: مهر ورزیدن به کودک، امریست لازم ولی اینکه کودک بخواهد مادر و پدر تمام وقت خود را باو اختصاص دهند و



انسانی و مطالبات
 جامع علوم انسانی

همیشه او را مورد نوازش قرار دهند صحیح نیست. (۵)

همو می نویسد: اگر کودکی در محیطی زندگانی کند که عزیز بار آید و همیشه مورد حمایت دیگران قرار گیرد و اعمال قبیح و نامطلوب او عفو شود و پرورش که او را برای دنیای بامشقت آماده کند در کار نباشد، در محیط اجتماعی که باید به زندگانی خود ادامه دهد با مشکلات و موانع بیشتر برخورد خواهد کرد. کودک از همان آغاز تولد باید بیاموزد که تنها زندگی نمی کند بلکه در اجتماع است و خواهش های او باید با خواهشهای دیگران وفق دهد (۶)

اگر کودک بی جهت، گریه یا قهر می کند یا سرش را به دیوار می کوبد، و می خواهد بدین وسیله بر پدر و مادر پیروز گردد و ——— خواهشهای نامشروعش برسد باو اعتنا نکنید. بگذارید بفهمد که گریه و قهر کردن او دنیا را خراب نمی کند. قدری صبر کنید خودش آرام میشود.

اگر کودک شما به زمین افتاد لازم نیست او را بلند کنید و نوازش نمائید یا زمین را ناسزا بگوئید. بگذارید خودش بلند شود. آنوقت او را نصیحت کنید که مواظب باشد زمین نیفتد. اگر سرش به دیوار خورد بوسه و نوازش لازم ندارد. به او اعتنا نکنید تا آرام شود آن وقت او را نصیحت کنید. وقتی کودک شما بیمار میشود درصدد علاج بر آید، دوا و غذا برایش تهیه کنید. از پرستاری و نوازش دریغ نکنید. اما بیماری او را یک حادثه عادی تلقی کنید، و به کارهای روزانه خود برسید. خواب و خوراک و کار شما به طور معمول ادامه پیدا کند. نه اینکه از کار و زندگی دست بردارید و بماند و فراوان

و چشم گریان کنار بسترش بنشینید و گاه و بیگاه صورت تبادرش را ببوسید. این کارها درمعالجه کودک اثری ندارد اما او را لوس بار می آورد. زیرا به خوبی احساس می کند که بیماری او یک حادثه فوق العاده ای است که زندگی پدر و مادر را به کلی فلج ساخته است.

..... درضمن نامه اش می نویسد: " پدر و مادرم بعد از دو دختر پسری پیدا کردند، شور و شفق و جشن زایمان مادرم را فراموش نمی کنم پدر و مادرم بقدری او را لوس کردند که در دو سالگی من و خواهرم را بشدت کتک میزد و گاز می گرفت و ما جرئت دفاع نداشتیم هرچه می خواست بدون چون و چرا برایش تهیه می کردند. بچه ها را اذیت می کرد. برای مدرسه رفتنش عنایت زیادی بخرج می دادند اما او زیر بار مسئولیت وانجام تکالیف نمی رفت، و به حرف آموزگار گوش نمیداد. بدین جهت نتوانست به تحصیلات ادامه دهد و ترقی نکرد. اکنون که بزرگ شده سوادى ندارد. منزوی و کم حرف و از خود راضی است. زیربازهیج کار نمی رود. بیخودی با این و آن قهر و دعوا می کند. به خواهرانش محبت ندارد. عاقبت کار او معلوم نیست. آری برادر بیچاره ام قربانی تربیت غلط والدین و افراط در محبت آنان شده است.

۱- غررال حکم ص ۴۴۶

۲- غررال حکم ص ۶۸۵

۳- غررال حکم ص ۶۵۹

۴- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۳۲۰

۵- روانشناسی کودک ص ۴۶۱

۶- روانشناسی کودک ص ۳۵۳